

تاریخ: ۵۸/۳/۲۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در صدر اسلام، مسجد مرکز فعالیت‌های سیاسی بوده است

مسجد و منبر در صدر اسلام مرکز فعالیت‌های سیاسی بوده است. جنگ‌هایی که در اسلام شده است بسیاری از آن از مسجد طرحش ریخته می‌شد. حضرت امیر سلام الله علیه به حسب خطبه‌هایی که در نهج البلاغه جمع شده است - بعضی - خطیب بزرگ و فخر خطباست و با آن خطبه‌های بزرگ مردم را تجهیز می‌کردند برای دفاع از اسلام و همین طور دستورهای اخلاقی و دستورهای عقیدتی و همه چیز در این کتاب مقدس هست. مسجد جایی بوده است که از آنجا شروع می‌شده است به فعالیت‌های سیاسی، منبر هم جایی بوده است که محل خطبه‌ها بوده است، خطبه‌های سازنده و سیاسی، مع‌الأسف تبلیغات زیادی که شاید از سیصد سال پیش شده است یعنی از آنوقتی که غرب به اینجاریه پیدا کرده و مطالعات در حال مردم مشرق عموماً کرده‌اند و رسیدگی به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم مشرق آنها کرده‌اند. در آنوقتی که وسایل رفت و آمد مثل حالا نبوده است در تاریخ می‌بینید که بناشتر حرکت می‌کردند این بیابان‌های مملکت ما را بررسی می‌کردند، تمام جاها را اینها بررسی کردند و تمام مخازن ما را بهتر از ما مطلع‌اند و تمام گروه‌های کشور را چه مرز نشین‌ها و عشایر و چه مرکز نشین‌ها و روشنفکرها، همه اینها را مطالعه کردند و به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد، یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود، خنثی کنند، چه بکنند؟ مسجد و منبر و روحانیت، مأمورشان که رضاخان بود آمد و شاید (اگر) شما یادتان نباشد که چه کرد، تمام منابر تعطیل شد، تمام مساجد نیمه تعطیل، تمام مجالس روضه‌خوانی همه از بین رفت، تمام روحانیت دستخوش منفسده‌هایی که آنها داشتند (عمامه‌ها را برداشتند، لباس‌ها را از چیز آنها کردند تغییر دادند، منبری، محرابی، کوچک، بزرگ همه در تحت فشار قرار گرفتند) واقع

تبلیغات دامنه‌دار جهت جدانمودن روحانیت از سیاست

است که تبلیغات دامنه‌دار شده است که به خود روحانیون هم مطلب را مشتبه کنند که شما چه کار دارید به سیاست، شما بروید نمازتان را بخوانید، عبا را به سرتان بکشید و بروید نماز را بخوانید و بعد از نماز هم اگر می‌توانید چند کلمه مسأله بگوئید و بعد هم برگردید خانه‌تان، چه کار دارید به مملکت، به احتیاجات ملت شما چه کار دارید، این کارش با ماهاست. ما وقتی که از آن حبس بنا بود بیاییم به آن حضر، این پاکروان (مثل اینکه مقتول هم شد و آنوقت رئیس سازمان بود) آمد آنجا، من و آقای قمی هر دو با هم نشسته بودیم آن هم آمد و گفت به اینکه این سیاست کاری است که دروغ‌گوئی در آن هست، بدجنسی — مثلاً — در آن هست چه هست، آخر کلمه‌اش این بود که پدرسوخته‌ای در آن هست، این را شما بگذارید برای ما، من گفتم سیاست به این معنایی که شما می‌گوئید مال شماست. اینها همجو تبلیغات کرده بودند که اگر یک ملائی وارد می‌شد در امر سیاسی، راجع به حکومت ملی خواست صحبت بکند، راجع به مجلس می‌خواست صحبت بکند، راجع به گرفتاری‌های سیاسی مردم می‌خواست صحبت بکند، در خود جامعه روحانیت می‌گفتند این آدم سیاسی است دیگر به درد نمی‌خورد همان خاصیتی که در علی ابن ابیطالب (ع) بود که یک رجل سیاسی نبود، از خطش معلوم است که مرد سیاست بوده و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهایش کشته داده، همه‌اش دستورهای سیاسی است ما غفلت کردیم، از مبنای امر و از صدر اسلام و از کیفیت سیاست رسول اکرم (ص) و از سیاست امیرالمؤمنین سلام الله علیه و سیاست ائمه علیهم السلام که به صورت تقیه سیاست‌ها را اجرا می‌کردند غفلت کردیم. به ما اینها تزریق کردند و حتی به خود ما تعمیم کردند که شما حق دخالت در این امور را ندارید، اصلاً به شأن شما نیست و آن اسم که ما هم یک قدری خوشحال بشویم که آقا شما بالاتر از این هستید که در سیاست دخالت بکنید، شما یک رجل روحانی هستید، شما باید مردم را تهذیب اخلاق‌شان بکنید، اخلاق برای مردم بگوئید و امثال این حرف‌ها. هم منبرها را از محتوایی که باید داشته باشد که آن دخالت در امور سیاست و مملکت است و هم مستجدها را و هم سایر طبقات روحانیون را و هم حوزه‌های علمیه را از آن محتوایی که اسلام از اول می‌خواسته اینها باشند و این کارها را بکنند، حوادث واقع باید به روحانین رجوع بشود، حوادث واقع چه چیز است، حادثه‌ها، همین حوادث سیاسی است، حالا احکام جزء حوادث نیست و اما «الحوادث الواقعة» رجوع کنید به فقها حوادث همین سیاست‌هاست، این حادثه‌ها عبارت از این است که برای ملت‌ها پیش می‌آید، این است که بساید مراجعه کنند به کسانی دیگری که در رأس مثلاً هستند و الا مسأله گفتن، احکام شرعی جزء حوادث نیست، یک چیزهایی است که بوده است. در هر صورت من طلبه را و شمای خطیب را از آن خاصیتی که بساید داشته باشیم، از آن خاصیت انداختند و این بزرگترین جرمی بود که اینها مرتکب شدند. آن فشارهای رضاشاه، آنها معلوم بود که به جایی نخواهد رسید، فشار و زور کار را انجام نمی‌دهد و لهذا دیدید تمام شد آنها، با فشار نمی‌شد، نمی‌شد کار را درست کرد، با حيله باید کار را درست کرد، دست‌ده و این بود که با حيله به صورتی که با ما داد

ایجاد تحول روحی در جامعه، اراده الهی بود. همین چند روز پیش از این در یک مجله‌ای دیدم که نوشته است که من از مردن نمی‌ترسم برای اینکه من یک آدم مسلمانم هستم - باز هم به خیالش که باز می‌شود در هر صورت آنکه برای ما مهم است این است که ما همانطوری که در این سه سال، بحمدالله واقع شد و تقریباً راه صدساله منبری و محرابی رفت و سایر مردم و دانشگاهی‌ها راه صدساله رفتند اینها، یعنی یک تحول روحی در تمام جوامع پیدا شد. آن منبری که اصلش یا جرأت نمی‌کرد از ترس این مردمی که پای منبرش نشسته‌اند مطلب سیاسی را عنوان بکند یا خودش اعتقادش این بود که نه نباید این کارها بشود، در این یکی، دو سال دیدیم که متحول شدند به یک مردم متعهد که همان چیزی که در صدر اسلام مطرح بوده اینها مطرح کردند، محراب‌ها همانطوری که محراب‌های صدر اسلام بوده است متحول شدند، منبرها همانطور، بازار متحول شد، بازاری که برای خودش هیچ قائل نبود که در امور سیاسی داخل بشود در امور سیاسی و در متن سیاست داخل شد، دانشگاه‌ها متحول شدند، آنهایی که خیال می‌کردند که بعضی‌شان اسلام این نمی‌شود، تحرک ندارد، آنها فهمیدند که همه تحرک‌ها از اسلام است. قرآن کتاب تحرک است، جنبش است! آنها هم متصل شدند به شما، بازار هم متصل شد به همه، کارگرها هم متصل شدند به همه، کارمندان هم متصل شدند به همه، آخرش هم ارتش متصل شد. این یک مطلب الهی بود، نمی‌شود این را پای کسی حساب کرد که این کار را کرده، این را ما به پای خدا حساب می‌کنیم، خدا این کار را کرده، اراده خدا بود که منت بر همه گذاشت و همه اقشار را با هم متحد کرد به طوری که ارتش هم متصل شد، ژاندارمری هم متصل شد همه متصل شدند به هم و همه یکصدا یک مطلب را خواستند و آن مطلب اینکه ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، ما این رژیم را نمی‌خواهیم، این یک تحولی بود که بشر نمی‌توانست این تحول را درست کند، این تحول الهی بود، یعنی مقلب القلوب این کار را کرده، قلب‌ها را از آن وحشت بیرون آورد، از آن وحشتی که از این رژیم‌ها همه داشتند از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن تصمیم و شجاعت به ایشان داد به طوری که زن‌ها، بچه‌ها و مردها، همه به مبارزه برخاستند. کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید، مقابل توپ و تانک بیاید، این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجاد فرمود و مادامی که ما این تحول را حفظ نکنیم و نهضت را به همانطوری که تا حالا آمده است حفظش نکنیم، برای ما پیروزی هست، جدیت بکنید. شما آقایان که وظیفه‌تان سنگین‌تر از سایر طبقات است، شغل شریف‌تر و مسؤلیت زیادتر، آگاه کنید مردم را به اینکه یک چند قدم دیگر ما داریم که برسیم به اینکه همین طور که گفتید رئیس درست بشود، مجلس شورا درست بشود و قانون اساسی تصویب بشود، شما و من و همه اهل منبر و محراب و همه روحانیون و طبقات دیگر و همه دانشگاهی‌ها و دانشمندان موظفند که امروز همه با هم و همه مجتمع کوشش کنید که زود این مطلب بگذرد.

مخالفین، با جمهوری مخالف نیستند، با اسلام مخالفند. شما ببینید ما فراندنی که می خواستیم بکنیم و همه ملت همراه بودند، کسی مخالف نبود، آنهایی که به اسلام اعتقاد نداشتند، آنهایی که می خواستند که اسلامی توی کار نباشد تحریم کردند، بعضی شان در کردستان تحریم کردند، یک اشخاصی که کمونیست بودند و متصل به آنها، در تهران هم شرکت نکردند، چند طبقه و چند حزب ولو جمعیت کم بود، خوب، در بعضی از شهرستان ها هم صندوق ها را سوزاندند و در بعضی جاها هم با تفنگ مانع شدند از اینکه بیایند رأی بدهند. همین اشخاصی که برای رأی به جمهوریت اسلامی کوشش می کردند که نشود، از جمهوریش حرفی نداشتند، از اسلامیش حرف داشتند و الا آنها جمهوری را، اگر شرقی بودند جمهوری هست، اگر غربی هم بودند جمهوری هست، از اینش هیچ حرفی نداشتند، کلمه اسلامیش را بردارید جمهوری جایش بگذارید، همه مان رفیقیم، اما یعنی چه؟ یعنی ما اسلام را کنار بگذاریم تا آنها با ما رفیق بشوند که اسلام را کنار گذاشتند. حالا همان جمعیت - ملاحظه کنید - آنهایی که می گویند ما راهیمانی می کنیم تا مجلس مؤسسان درست شود ببینید چه اشخاصی هستند، کی ها متصل شدند به هم و چه نظری دارند از این کار. نظر این است که مجلس مؤسسان شش ماه طول بکشد تا تعیین بشود اشخاصش، دو ماه طول بکشد تا یکی، پانصد، ششصد، هفتصد نفر را تعرفه ایشان را ببینند و ببینند درست است یا نه، این تقریباً حدود یک سال، دو سه سال طول بکشد که مناقشات در یکی یکی اش، این بعضی از این شیاطین بیایند یک ماه دو ماه معطل کنند سر یک ماده ای از این قانون. آنوقت چه بشود؟ این ریشه هایی که الان زود قابل کردن و دور ریختن است، اینها جان بگیرند، اینها به هم متصل بشوند، این اشخاص مختلف به هم متصل بشوند، با اتصال به هم مانع بشوند از اینکه اصل رأی داده بشود (جمهوری اسلامی) یا اتصال به هم همچو بکنند که مسائل سابق دوباره عود کند. در اصل مقصد این است منتها در بین اینها بعضی در اشتباهند، سوء نیت ندارند، اطلاعشان ناقص است، اشتباه دارند، در تحت تأثیر آنهایی که سوء نیت دارند واقع می شوند و بعضی شان سوء نیت دارند و زوی نقشه دارند کار می کنند. اینهایی که با هم دارند متصل می شوند شما مطالعه کنید، چه جمعیت هایی بودند، آیا بازاری ها هستند، آیا منبری ها هستند، آیا مجرایی ها هستند یا یک دسته هایی هستند که این دسته ها هیچ کدام یک کار به اسلام کاری ندارند، بعضی شان هم جداً مخالف با اسلامند. اینهایی که می گویند ما از دیکتاتوری پهلوی خارج شدیم به دیکتاتوری عمامه و کفش رسیدیم، از دیکتاتوری نمی ترسند حاضرند که یک کمونیست بیاید دیکتاتوری کند، از آخوند می ترسند، از عمامه و کفش می ترسند، از اسلام می ترسند، نه از دیکتاتوری. بدترین دیکتاتوری ها آنی است که در کمونیست هاست، غرب آنطور دیکتاتوری ندارد، اینها از او نمی ترسند، اینها از اسلام سیلی خوردند از آنکه سیلی خوردند از آن می ترسند.

ما می خواهیم مملکت اسلامی درست کنیم، نه غربی

و شما باید همه رفقاتان را، تقریباً شاید بیشتر از هزار نفر شما رفیق دارید در اینجا، همه اهل

علم هستيد (بیشترند الحمد لله، خدا بیشترشان کند) شما بعد به تمام اینها ابلاغ کنید از قول من، ابلاغ عاجزانه، ابلاغی که یک نفر فقیر دستش را دراز می کند که منابر، در منابر بگوئید که مجلس مؤسسان به آن معنا ملت نمی خواهد. به مردم حالی کنید مطلب را. مسأله، مسأله اقتصاد نیست، مسأله خانه نیست که من بتوانم از خانه بگذرم، از اقتصاد بگذرم. مسأله، مسأله قرآن است. می توانیم ما بگذریم از قرآن؟! ما نمی توانیم بگذریم از این. آن که می گوید مجلس مؤسسان اگر نباشد ما تحریم می کنیم، این همین کمونیست ها هستند که آن را تحریم کردند، حالا هم باز همین حرف را می زنند، یا یک کسی است که اشتباه دارد اشتباهش باید رفع بشود. اینها نظرشان این است و اشخاصی که حسن نیت دارند، توجه به این ندارند، نظرشان به این است که تعویق بیندازند. هی تعویق، تعویق، تعویق و مجلس مؤسسان به آنطوری که در غرب هست و ما همیشه باید تقلید از غرب را بکنیم و مع الاسف دست برداشتیم از این غربزدگی، آن مجلس مؤسسان شش ماه می خواهد تا آن افراد تعیین بشوند، هفتصد نفری، هشتصد نفر، اگر کارشکنی نکنند در آن، بعد هم چند ماه می خواهد اصلاً یک مجلسی درست بشود، آئین - نامه اش نوشته بشود، بعد هم خدا می داند چقدر می خواهد تا رسیدگی به آن طوری که شیاطین می خواهند، رسیدگی بکنند. ما می خواهیم یک مملکت اسلامی درست کنیم، ما نمی خواهیم یک مملکت غربی درست کنیم، ما حقوقدان غربی لازم نداریم، اصلاً صلاحیت ندارد آن کسی که حقوق به معنای حقوقدانی غربی و غربزدگی دارد، او صلاحیت ندارد که در قانون اساسی مداخلت بکند و ما قانون اساسی مسکورا که نمی خواهیم درست بکنیم، ما قانون اساسی آمریکا را که نمی خواهیم، ما می خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم. اسلام شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد، اسلام شناس روحانیون هستند و بعضی از اشخاصی که در روحانیت داخل هستند ولو از صنف دیگر هستند نکن اطلاعات اسلامی - سیاسی دارند و ما همین ها را می خواهیم تعیین کنیم یعنی نه اینکه ملت ما همین ها را می خواهد. ما تبلیغ می کنیم، شما هم تبلیغ بکنید یک همچو اشخاصی باید تعیین بشوند. حالا الان وظیفه همه شما آقایان و رفقا و برادرهایتان و ما و دوستانمان همه باید توجه مان الان به این باشد که این طرحی که دولت می دهد صحیح است و همه تأیید کنیم دولت را تا فراندم بگذارد قانون اساسی را. دیشب بود که در روزنامه دیدم که سفیر سوئیس گفت که قانون اساسی در این مملکت به فراندم گذاشته می شود و در همه جا این رسم هست، برویم سراغ وزارتخانه اش آن هم نه، برویم سراغ اداراتش آن هم نه. ما همچو چیزی نمی خواهیم، ملت ما می خواهد که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند، یعنی هر کس وارد هر وزارتخانه ای بشود خیال کند که وارد شده در یک معبدی، یک جائی که مردمش آنجا هستند مردم صالحند. اگر وارد شد در ژاندارمری، مثل سابق نباشد که رضاخان وارد شده بود آنوقت نوشته بودند که وارد شد در ژاندارمری، دست گذاشته بود در جیب هایش گفته بود می ترسم بدزدند. اینجور نباشد. سردارهای جنگ های اسلامی امام جماعت هم بودند. همان سرداری که می فرستادند حاکم کجا بود، یا می فرستادند رئیس لشکر کذا بود، امام جماعت هم بود، آنها صالح بودند

ستادمان هم همچو باشد که به او اقتدا بکنند، نخست وزیرمان هم همچو باشند که به او اقتدا کنند، به ایشان اقتدا بکنند، ما می خواهیم اینطور باشد، ما می خواهیم مملکت که بروید این اسلام را آنجا ببینید. مقصد ما این است، مقصد ما این نبود که یک لفظی بگوئیم که ما جمهوری اسلامی می خواهیم باقیش دیگر هیچی. حالا باید این کارها را انجام بدهیم و الآن چیز مهمی که نظر همه تان باید باشد همین است که این طرحی که دولت داده است که باید عده ای را، هفتاد و پنج نفر را مردم تعیین بکنند، بعد از این تعیین اینها را بررسی بکنند و بعد از او رفراندوم بشود، این طرح را قبول کنید و به مردم هم تزریق کنید که همین طرح صحیح است، باقیش برای اینکه می خواهیم این زود بگذرد، باقیش معطل کردن است و باقیش توطئه و چیز است و می خواهند با هم جمع بشوند شیاطین، من متشکرم از شما که آمدید با من از نزدیک ملاقات کردید و در دلهایمان را با هم بگوئیم. خداوند انشاء الله همه شما را تأیید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته